بستهٔ دستوری ترامپ با استقبال نتانیاهو و ساده‌لوحی حکام عربی و اردوغان به دست حماس رسید

آپارتاید ابدی

علی ملکی
خبرنگار گروه سیاست

شامگاه دوشنبه دونالد ترامپ رئیس جمهور ایالات متحده که آرزوی کسب جایزه صلح نوبل را درسر دارد و در دیدار با نیاپیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، طرحی برای آتش‌بس در غزه رونمایی کرد. این طرح ۲۱ ماده‌ای با ادعای پایان دادن به جنگ جاری در غزه و ایجاد «صلح ابدی» در خاورمیانه معرفی شد! اما مرور بندهای آن نشان می‌دهد که این پیشنهاد (دستور) نه‌تنها فاقد اعتبار و شفافیت لازم برای دستیابی به صلح پایدار است، بلکه به‌طور سیستماتیک منافع اسرائیل را بر حقوق اساسی فلسطینی‌ها ترجیح می‌دهد و ریشه‌های اصلی درگیری، یعنی اشغالگری و محاصره غزه را نادیده می‌گیرد. طرح مذکور شباهت‌های زیادی به تلاش‌های پیشین ترامپ، مانند «معامله قرن» در سال ۲۰۲۰ دارد که به دلیل بی‌توجهی به خواسته‌های فلسطینی‌ها و جامعه بین‌المللی با شکست مواجه شد. این طرح جدید، نیز بیشتر برای زنده‌سازی دیپلماتیک و بهره‌برداری سیاسی طراحی شده تا حل یک بحران پیچیده انسانی و سیاسی؛ بنابراین طرح ترامپ اساساً محکوم به شکست است و نمی‌تواند پایه‌ای برای صلح واقعی باشد. کشورهای عربی به این طرح واکنش نشان دادند و بر خلاف برداشت برخی رسانه‌ها، قطعیت کامل و اقبال صددرصدی برای پذیرش طرح وجود ندارد اما قاعدتاً این کشورها نمی‌خواهند وارد دعوا یا درافتاب شوند و در نتیجه فعلاً با هر چیزی که ترامپ بگوید موافقت می‌کنند. با این حال به نظر می‌رسد که دو دلیل عمده در اکراه‌ورزی کشورهای عربی مؤثر است. اول: اعتقاد به اینکه این طرح ترامپ مثل طرح‌های پیشین شکست خواهد خورد و شیوخ، نمی‌خواهند جزئی از این شکست باشند. دوم: انتقال مالکیت و اداره فلسطین به افرادی و گروه‌هایی خارج از منطقه. درهرحال طرح‌بسته دستوری ترامپ توسط قطری‌ها به دست حماس رسید و ترامپ اعلام کرده است که اگر حماس تا ۳ روز آینده پاسخ مثبت بدهد، اسرائیل هرکاری که لازم باشد انجام خواهد داد!

مبادله یک صهیونیست با ۱۵ فلسطینی

طرح ترامپ را جفت‌فرم، تکراری و ابهامات وارده به آن نیز تکرار مکررات است. این طرح ترکیبی از اقدامات ظاهراً بشردوستانه، امنیتی و اقتصادی را پیشنهاد می‌دهد، اما در عمل، این اقدامات فاقد جزئیات اجرایی و تعهدات الزام‌آور هستند. در هسته این طرح، «آزادی فوری همه اسرا و ایجاد اسرائیلی ظرف ۷۲ ساعت» قرار دارد، در حالی که اسرائیل تنها موظف به «آزادی ۲۵۰ زندانی فلسطینی محکوم به حبس ابد» و «۱۷۰۰ نفر از بازداشت‌شدگان» پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ است. این تبادل، بر اساس فرمول «یک جسد اسرائیلی در برابر ۱۵ جسد فلسطینی» تنظیم شده و هیچ توازنی در ارزش‌گذاری انسانی ندارد. علاوه بر این، طرح هیچ تضمینی برای آزادی باقی هزاران زندانی فلسطینی، که بسیاری از آن‌ها بدون محاکمه در بازداشت به سر می‌برند، ارائه نمی‌دهد.

عقب‌نشینی از کجا؟ و به کجا؟

عقب‌نشینی فوری صهیونیی نیز به‌صورت «تدریجی» و بدون مشخص کردن مرزهای جغرافیایی یا جدول زمانی پیش‌بینی شده است. این ابهام‌به اسرائیل اجازه می‌دهد تا کنترل بخش‌هایی از غزه را تحت عنوان «مناطق امن» حفظ کند؛ مناطقی که تا زمانی که غزه، به‌طور کامل از آنچه «تهدید برای امنیت اسرائیل» خوانده می‌شود، ایمن نشود، تحت اشغال باقی خواهند ماند. این شرط، عملاً عقب‌نشینی را به یک وعده غیرقابل تحقق تبدیل می‌کند؛ زیرا اسرائیل می‌تواند به بهانه‌های امنیتی، حضور نظامی خود را برای مدت نامحدود توجیه کند. در نتیجه «اشغالگری» ادامه دارد و تا زمانی که اشغالگر باقی است، حماس نیز به‌عنوان یک گروه از بازوان مقاومت خواهد بود.

خلع سلاح کامل حماس و تخریب زیرساخت‌های نظامی آن، از جمله تونل‌ها، یک دیگر از محورهای طرح است. این بند، به‌طور مستقیم اهداف نظامی اسرائیل را تأمین می‌کند و بدون ارائه جایگزینی برای تضمین امنیت فلسطینی‌ها، مقاومت را به تسلیم می‌کند و شرط دعوت می‌کند. همچنین پیشنهاد ایجاد «گذرگاه امن» برای خروج اعضای رسانه‌های آمریکایی در حالی از «تردید» و «بدون مشخص کردن مرزهای جغرافیایی یا جدول زمانی پیش‌بینی شده است. این ابهام‌به اسرائیل اجازه می‌دهد تا کنترل بخش‌هایی از غزه را تحت عنوان «مناطق امن» حفظ کند؛ مناطقی که تا زمانی که غزه، به‌طور کامل از آنچه «تهدید برای امنیت اسرائیل» خوانده می‌شود، ایمن نشود، تحت اشغال باقی خواهند ماند. این شرط، عملاً عقب‌نشینی را به یک وعده غیرقابل تحقق تبدیل می‌کند؛ زیرا اسرائیل می‌تواند به بهانه‌های امنیتی، حضور نظامی خود را برای مدت نامحدود توجیه کند. در نتیجه «اشغالگری» ادامه دارد و تا زمانی که اشغالگر باقی است، حماس نیز به‌عنوان یک گروه از بازوان مقاومت خواهد بود.

خلع سلاح کامل حماس و تخریب زیرساخت‌های نظامی آن، از جمله تونل‌ها، یک دیگر از محورهای طرح است. این بند، به‌طور مستقیم اهداف نظامی اسرائیل را تأمین می‌کند و بدون ارائه جایگزینی برای تضمین امنیت فلسطینی‌ها، مقاومت را به تسلیم می‌کند و شرط دعوت می‌کند. همچنین پیشنهاد ایجاد «گذرگاه امن» برای خروج اعضای رسانه‌های آمریکایی در حالی از «تردید» و «بدون مشخص کردن مرزهای جغرافیایی یا جدول زمانی پیش‌بینی شده است. این ابهام‌به اسرائیل اجازه می‌دهد تا کنترل بخش‌هایی از غزه را تحت عنوان «مناطق امن» حفظ کند؛ مناطقی که تا زمانی که غزه، به‌طور کامل از آنچه «تهدید برای امنیت اسرائیل» خوانده می‌شود، ایمن نشود، تحت اشغال باقی خواهند ماند. این شرط، عملاً عقب‌نشینی را به یک وعده غیرقابل تحقق تبدیل می‌کند؛ زیرا اسرائیل می‌تواند به بهانه‌های امنیتی، حضور نظامی خود را برای مدت نامحدود توجیه کند. در نتیجه «اشغالگری» ادامه دارد و تا زمانی که اشغالگر باقی است، حماس نیز به‌عنوان یک گروه از بازوان مقاومت خواهد بود.

نقش کشورهای عربی نیز در این طرح، به یک ابزار فشار تقلیل یافته است. ترامپ مدعی حمایت کشورهای عربی مانند عربستان، قطر و مصر است و طرح خود را تحویل مقامات قطری داده تا با همکاری مصر، به دست حماس برسانند.

مخالفت در اسرائیل

در اسرائیل، طرح با مقاومت شدید راست‌گرایان افراطی مانند بتزالل اسموتریچ و ایتامار بن‌گویر مواجه شده است. این گروه‌ها، که ائتلاف نتانیاهو را ترجیح می‌دهند، طرح را «خیانت به شهرک‌نشینان» می‌خوانند و نتانیاهو را تهدید به فروپاشی ائتلاف کرده‌اند. نتانیاهو، که تحت فشار داخلی و قضایی قرار دارد، طرح را به‌صورت مشروط پذیرفته، اما این پذیرش بیشتر برای خرید زمان و حفظ حمایت آمریکا است تا اعتقاد به صلح. این فلج سیاسی، شانس اجرای طرح را به حداقل می‌رساند و آن را به ابزاری برای مانورهای سیاسی نتانیاهو تبدیل کرده است.

نقض اصول حقوق بین‌الملل

نظام فعلی بین‌الملل در بالاترین سطح از بی‌توجهی به حقوق بین‌الملل قرار دارد و تلاش‌ترین مصداق آن نیز همین طرح است. بندهای مختلفی از این طرح با اصول بنیادین حقوق بین‌الملل، به ویژه حق تعیین سرنوشت، مغایرت دارد. بر اساس منشور سازمان ملل و قطعنامه‌های مربوطه، مردم فلسطین حق دارند سرنوشت سیاسی خود را تعیین کنند. این طرح، با تحمیل یک کمیته تکنوکراتیک و شورای بین‌المللی بدون مشارکت واقعی فلسطینی‌ها، این حق را سلب می‌کند. حذف نقش حماس که بخشی قابل توجهی از مردم غزه از آن حمایت می‌کنند و عدم تضمین انتقال حاکمیت به یک نهاد فلسطینی، غزه را به یک منطقه تحت قیمومیت خارجی تبدیل می‌کند.

مقاومت فلسطینی، همان‌طور که اشاره شده، نتیجه مستقیم اشغالگری و محاصره است. طرح که مقاومت را به‌عنوان «تروریسم» تعریف می‌کند و ریشه‌های آن را نادیده می‌گیرد، نمی‌تواند به صلح پایدار منجر شود. همچنین پیشنهاد «گذرگاه امن» برای تبعید اعضای حماس، بدون تضمین حق بازگشت، نقض کنوانسیون‌های ژنو و سایر اسناد بین‌المللی است که اخراج اجباری را ممنوع می‌کنند.

سؤالات بی‌پاسخ الجزیره از ترامپ

شبکه خبری الجزیره پنج سؤالی به پاسخ در بیانیه سنتوری ترامپ مطرح می‌کند:

۱. چگونه، اراده خواهد شد؟ طرح به «حکومت موقت انتقالی» فلسطینی و «هیئت صلح» به رهبری ترامپ و تونی بلر اشاره دارد، اما مشخص نیست اعضای این حکومت توسط چه کسانی انتخاب می‌شوند. اختیارات آن‌ها چیست و رابطه قوه هیئت با این نهاد چگونه خواهد بود.

۲. نقش تشکیلات خودگردان فلسطین چیست؟ طرح می‌گوید حکومت انتقالی تا تکمیل «اصلاحات» تشکیلات خودگردان، غزه را اداره می‌کند، اما تعریف این اصلاحات مانند تغییرات ساختاری یا سیاسی و مرجع تأیید آن (آمریکا؟ اسرائیل؟) مبهم است. نتانیاهو نیز عملاً بازگشت تشکیلات به غزه را رد کرده است.

۳. نیروی بین‌المللی چگونه شکل می‌گیرد؟ امنیت غزه به «نیروی بین‌المللی موقت» سپرده می‌شود، اما الجزیره می‌پرسد: این نیرو از کدام کشورها تأمین می‌شود؟ آیا می‌تواند فلسطینی‌ها را برابر اسرائیل محافظت کند؟ قوانین درگیری آن چیست؟ هیچ کشوری برای اعزام نیرو مشخص نشده است.

۴. عقب‌نشینی اسرائیل کی رخ می‌دهد؟ طرح، عقب‌نشینی «تدریجی» را وعده می‌دهد؛ اما بدون مرزهای دقیق یا جدول زمانی، الجزیره اشاره می‌کند که اسرائیل می‌تواند «منطقه امنیتی» را تا ابد حفظ کند، زیرا تعریف «تهدید تروریستی» به عهده تل‌آویو است.

۵. آیا کشورها فلسطین تشکیل می‌شود؟ طرح حق تشکیل کشور فلسطین را برمسیت نمی‌شناسد و با عبارات مبهم از «احتمالات آینده» سخن می‌گوید. ترامپ حتی به رسمیت شناختن فلسطین توسط متحدان را «احمقانه» خوانده است.

در نهایت الجزیره نتیجه می‌گیرد که این ابهامات عمدی به نظر می‌رسد و طرح را به ابزاری برای تداوم وضعیت موجود تبدیل کرده‌اند، نه صلح واقعی.

احتیاط عربی

دراکنش به این طرح، وزرای امور خارجه هشت کشور عربی و اسلامی از جمله عربستان سعودی، ترکیه، قطر، اردن، مصر، اندونزی، پاکستان و امارات متحده عربی بیانیه‌ای مشترک صادر کردند. این بیانیه با دقت و احتیاط تدوین شده و از پذیرش صریح محتوای طرح خودداری می‌کند. بیانیه به جای استقبال مستقیم از طرح، «از ابتکارات» ترامپ برای پایان دادن به جنگ غزه و اعتماد به نقش او در ایجاد مسیر صلح حمایت می‌کند. تأکید آن بر اهدافی چون توقف درگیری‌ها، بازسازی غزه، جلوگیری از کوچ اجباری فلسطینی‌ها و پشتیبانی از صلح عادلانه است، بدون اشاره به بندهای مناقشه‌برانگیز طرح مانند خلع سلاح حماس. تشکیل شورای بین‌المللی به رهبری ترامپ و تونی بلر با استقرار نیروهای خارجی در غزه؛ موارد کمی با خواسته‌های فلسطینی‌ها در تضاد است. وزرای خارجه این کشورها همچنین بر آمادگی خود برای همکاری سازنده با ایالات متحده و همه طرف‌های درگیر برای دستیابی به توافقی جامع تأکید کرده‌اند. این بخش، به‌طور ضمنی بر ضرورت گفت‌وگوی مستقیم با حماس و اجتناب از تحمیل یک جانبه شرایط دلالت دارد. در بخش پایانی، بیانیه بر توافقی متمرکز است که ارسال کمک‌های بشردوستانه بدون محدودیت، عقب‌نشینی کامل اسرائیل از غزه، بازسازی منطقه و ایجاد صلحی مبتنی بر راه‌حل دو کشوری و یکپارچگی غزه و کرانه باختری در چهارچوب حقوق بین‌الملل را تضمین کند. کشورهای مذکور از درگیری مستقیم با ترامپ اجتناب کرده و نمی‌خواهند مسئولیت شکست احتمالی طرح بر دوش آن‌ها بیفتد.

شکست از پیش تعیین شده

به طور کلی طرح ترامپ به این دلایل مبهم محکوم به شکست است:

اول: یک جانبه‌گرایی و ترجیح منافع اسرائیل بر حقوق فلسطینی‌ها، بدیرش آن را برای حماس سخت می‌کند.

دوم: سابقه تاریخی طرح‌های مشابه‌اند «معامله قرن» نشان می‌دهد که رویکردهای یک‌جانبه و بدون توجه به حقوق فلسطینی به شکست می‌انجامد. همچنین پیشنهاد «گذرگاه امن» ریشه در همان ایدئولوژی دارد، نمی‌تواند از این چرخه شکست فرار کند.

سوم. هرچند کشورهای عربی بیشترین انعطاف را در قبال دستورات آمریکایی نشان داده‌اند و با وجود تهدیدات مستقیم اسرائیل، همچنان موضعشان نسبت به رژیم صهیونیستی، انفعالی است. اما روند‌های اخیر منطقه‌ای از جمله حمله جنگنده‌های رژیم به دوحه، توافق امنیتی عربستان با پاکستان، روی گردانی دهلی‌نو از واشنگتن، تهدید نتانیاهو علیه عراق در سخنرانی اخیرش در مجمع عمومی سازمان ملل و تهدیدات مستقیم مقامات صهیونیست علیه ترکیه و مصر، منطقه را وارد فاز جدیدی از روابط قدرت کرده و در صورت تداوم شکست‌های سریالی ترامپ در پروژه‌های تعریف شده، فرمانبری از کاخ سفید دچار تنزل خواهد شد.

احتیاط عربی

دراکنش به این طرح، وزرای امور خارجه هشت کشور عربی و اسلامی از جمله عربستان سعودی، ترکیه، قطر، اردن، مصر، اندونزی، پاکستان و امارات متحده عربی بیانیه‌ای مشترک صادر کردند. این بیانیه با دقت و احتیاط تدوین شده و از پذیرش صریح محتوای طرح خودداری می‌کند. بیانیه به جای استقبال مستقیم از طرح، «از ابتکارات» ترامپ برای پایان دادن به جنگ غزه و اعتماد به نقش او در ایجاد مسیر صلح حمایت می‌کند. تأکید آن بر اهدافی چون توقف درگیری‌ها، بازسازی غزه، جلوگیری از کوچ اجباری فلسطینی‌ها و پشتیبانی از صلح عادلانه است، بدون اشاره به بندهای مناقشه‌برانگیز طرح مانند خلع سلاح حماس. تشکیل شورای بین‌المللی به رهبری ترامپ و تونی بلر با استقرار نیروهای خارجی در غزه؛ موارد کمی با خواسته‌های فلسطینی‌ها در تضاد است. وزرای خارجه این کشورها همچنین بر آمادگی خود برای همکاری سازنده با ایالات متحده و همه طرف‌های درگیر برای دستیابی به توافقی جامع تأکید کرده‌اند. این بخش، به‌طور ضمنی بر ضرورت گفت‌وگوی مستقیم با حماس و اجتناب از تحمیل یک‌جانبه شرایط دلالت دارد. در بخش پایانی، بیانیه بر توافقی متمرکز است که ارسال کمک‌های بشردوستانه بدون محدودیت، عقب‌نشینی کامل اسرائیل از غزه، بازسازی منطقه و ایجاد صلحی مبتنی بر راه‌حل دو کشوری و یکپارچگی غزه و کرانه باختری در چهارچوب حقوق بین‌الملل را تضمین کند. کشورهای مذکور از درگیری مستقیم با ترامپ اجتناب کرده و نمی‌خواهند مسئولیت شکست احتمالی طرح بر دوش آن‌ها بیفتد.

رفتار کشورهای اروپایی در به‌رسمیت‌شناختن فلسطین و واکنش‌های منفی به نتانیاهو در سازمان ملل را چقدر در راستای کردن این طرح پیشنهادی مؤثر می‌دانید؟

برای اینکه اسرائیلی‌ها به یک توافق گردن بگذارند، چند مرحله لازم بوده است؟ یکی اینکه فشار بین‌المللی به وجود نداشته باشد، دوم اینکه خود اسرائیل از اقدامات سیاسی داشته باشد و سوم اینکه اختلاف‌ها بین اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها قابل حل‌وفصل باشد. فشار بین‌المللی که او و پلی‌ها در این مدت وارد کرده‌اند اثر گذار بوده اما این فشار باید از طرف اسرائیل باشد. آمریکا در دوره ترامپ تنها کشوری است که می‌تواند اسرائیل را به انجام اقدامی یک‌جانبه‌گرایی وادار کند. سایر کشورها تأثیر عملیاتی و فوری بر دستور کار اسرائیل ندارند. با این حال انزوایی که اسرائیل در این مدت جزء آن شد و تفرقی که در جهان نسبت به آن شکل گرفته، قطعاً مؤثر است و در سال‌های آینده تأثیر آن را به ویژه در ضدیت دولت‌های غربی که متحد اسرائیل هستند، با بفدرت رسیدن افراد ضد اسرائیلی و مخالف اسرائیل، بیشتر خواهیم دید.

چقدر این گزاره محتمل است که عقب‌نشینی اسرائیل و طرح پیشنهادی ترامپ، عملیات فریب دیگری برای شروع و تشدید حملات جدیدی باشد؟

این عقب‌نشینی، مستقیماً به دلیل ناراحتی ترامپ از اقدام اسرائیل بوده است. به این معنی که اگر ترامپ این ناراحتی را نداشت و اعمال فشار او نبود، قطعاً اسرائیلی‌ها این اقدام را انجام نمی‌دادند. چون اساساً آمریکایی‌ها با گستاخی زیاد تأکید می‌کردند که اگر لازم باشد دوباره این کار را انجام خواهند داد و آن را هم با حمله آمریکا به القاعده و حمله آمریکا به صدام در ۲۰۰۱ مقایسه می‌کردند و می‌گفتند این کار را انجام خواهیم داد. اما روند‌های آینده را باید اگر ترامپ حمله کرد و ما نیز حق داریم که به تورریسم حمله کنیم. بنابراین فشار آمریکا در این مورد مشهود است. در مورد مفاد توافق ۲۰ بندی که ترامپ ارائه کرده، فشار زیادی از طرف آمریکا به اسرائیل برای پایان دادن به جنگ در حال وقوع است. نکته اصلی این است که طرح اسرائیلی بزرگ از مفاد این توافق بیرون نمی‌آید به این دلیل که برای اجرای این طرح، اسرائیل باید نژاد غزه و کرانه باختری را به اسرائیل الحاق کند، اما این طرح می‌گوید که اسرائیل باید از نوار غزه خارج شود و نوار غزه را به دست فلسطینی‌ها به جز حماس بدهد و تشکیلات خودگردان نیز اصلاحاتی اعمال کند و پس از آن برگردد و نهایتاً اینکه، توافق تأکید می‌کند که باید مذاکره بین دو طرف ادامه پیدا کند تا بتوانیم به نوعی خودمختاری و دولتمندی برای فلسطینی‌ها برسیم. در مورد اینکه این طرح اجرایی خواهد شد یا خیر، می‌توان نکات متفاوتی را مطرح کرد اما این طرح تضاد آشکاری با طرح اسرائیل بزرگ دارد، ممکن است طرح به طور کامل اجرا نشود یا تنها مفادی از آن اجرایی شود، ممکن است بعد از مدتی به طور کامل طرح برهم بخورد اما منطق این طرح با اسرائیل بزرگ مخالف است.

رفتار کشورهای اروپایی در به‌رسمیت‌شناختن فلسطین و واکنش‌های منفی به نتانیاهو در سازمان ملل را چقدر در راستای کردن این طرح پیشنهادی مؤثر می‌دانید؟

برای اینکه اسرائیلی‌ها به یک توافق گردن بگذارند، چند مرحله لازم بوده است؟ یکی اینکه فشار بین‌المللی به وجود نداشته باشد، دوم اینکه خود اسرائیل از اقدامات سیاسی داشته باشد و سوم اینکه اختلاف‌ها بین اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها قابل حل‌وفصل باشد. فشار بین‌المللی که او و پلی‌ها در این مدت وارد کرده‌اند اثر گذار بوده اما این فشار باید از طرف اسرائیل باشد. آمریکا در دوره ترامپ تنها کشوری است که می‌تواند اسرائیل را به انجام اقدامی یک‌جانبه‌گرایی وادار کند. سایر کشورها تأثیر عملیاتی و فوری بر دستور کار اسرائیل ندارند. با این حال انزوایی که اسرائیل در این مدت جزء آن شد و تفرقی که در جهان نسبت به آن شکل گرفته، قطعاً مؤثر است و در سال‌های آینده تأثیر آن را به ویژه در ضدیت دولت‌های غربی که متحد اسرائیل هستند، با بفدرت رسیدن افراد ضد اسرائیلی و مخالف اسرائیل، بیشتر خواهیم دید.

ادامه از صفحه ۷

منصور براتی، کارشناس مسائل اسرائیل درگفت‌وگو با «فرهیختگان»:

آمریکا می‌خواهد خود را به اعراب متعهد نشان بدهد

زهرا طیبی
خبرنگار گروه سیاست

دردسرسازی‌های نتانیاهو باعث شد تا با «آخره» ترامپ او را وادار به تغییر رفتارکند. روزگذشته در جریان دیدار نتانیاهو و ترامپ، بی‌بی در تماسی تلفنی به طور رسمی از ترامپ عذرخواهی کرد و پس از آن‌همه ترامپ در نشست خبری رسماً از طرح پیشنهادی‌اش برای غزه رونمایی کرد. این تغییر رفتار چند معنای روشن دارد؛ از جمله آن‌که ترامپ برخلاف خواسته راست افراطی‌ها به دنبال تحقق طرح اسرائیل بزرگ نیست. به یک معنا او هم تلاش کرد تا جلوی شکست پیشنامه ابراهیم را بگیرد و هم نشان دهد که متحدان عربی‌اش را حمایت خواهد کرد. درگفت‌وگو با منصور براتی، به‌بررسی ابعاد طرح پیشنهادی ترامپ و عذرخواهی نتانیاهو از قطر پرداختیم که در ادامه می‌خوانید.

آپایش از این سابقه داشته که اسرائیلی‌ها، مشابه رفتاری که در مورد قطر داشتند، دست به عذرخواهی بزنند؟

دست‌کم دو مرتبه مرتکب تاریخ ایران چنین نمونه‌هایی داریم. یک‌مرتبه در سال ۱۹۹۷ بود که در اردن، اسرائیلی‌ها اقدام به ترور نافرجام خالد مشعل، از سران حماس کردند. آن زمان این ترور ناموفق بود. دو نفر از مأموران موساد برای اجرای عملیات رفته بودند و تلاش کردند مادهای سمی را به خالد مشعل تزریق کنند. این سم وارد کوش او شد و ظرف چند ساعت حال او بسیار وخیم شد و به کمافوت. اما چون آن دو مأمور دستگیر شدند و نتوانستند فرار کنند، یک رسوایی بزرگ برای اسرائیل به وجود آمد. در حقیقت، این ماجرا باعث شد که چون در سال ۱۹۹۴ اسرائیل و اردن در توافق «وادی عربه» روابط خود را عادی‌سازی کرده بودند، اردنی‌ها و به‌ویژه پادشاه وقت، ملک حسین، از این اقدام اسرائیل بسیار ناراحت شدند و برای جلوگیری از قطع روابط، اسرائیل عذرخواهی کرد و برای آزادشدن آن دو مأمور، اقدام به فرستادن بازدهم برای نجات جان خالد مشعل کرد. همان بازدهم باعث شد که خالد مشعل مجدداً بهبود یابد و باید این اولین موردی بود که اسرائیل بابت آن عذرخواهی کرد. مورد دوم در سال ۲۰۱۰ رخ داد، زمانی که کشتی «ماوی مرمره» از ترکیه به سمت نوار غزه در حرکت بود و قصد داشت محاصره غزه را بشکند. اسرائیلی‌ها به کشتی حمله کردند و چند نفر از خدمه کشتی را که همگی اهل ترکیه بودند کشتند. این اتفاق در نهایت به قطع روابط ترکیه و اسرائیل انجامید. اما نتانیاهو با یک عذرخواهی از اردوغان توانست موضوع را حل‌وفصل کند. در آن مورد نیز باید ذکر غرامت و عذرخواهی رسمی از سوی دولت اسرائیل، ماجرا به نوعی خاتمه یافت.

چه عواملی نتانیاهو و ترامپ را به مسیر یک اتفاق رأسا ضمنی سوق داد؟

این موضوع اظهار تأسف ضمنی قطر از پس آن‌همه ترامپ در نشست خبری رسماً از طرح پیشنهادی‌اش برای غزه رونمایی کرد. این تغییر رفتار چند معنای روشن دارد؛ از جمله آن‌که ترامپ برخلاف خواسته راست افراطی‌ها به دنبال تحقق طرح اسرائیل بزرگ نیست. به یک معنا او هم تلاش کرد تا جلوی شکست پیشنامه ابراهیم را بگیرد و هم نشان دهد که متحدان عربی‌اش را حمایت خواهد کرد. درگفت‌وگو با منصور براتی، به‌بررسی ابعاد طرح پیشنهادی ترامپ و عذرخواهی نتانیاهو از قطر پرداختیم که در ادامه می‌خوانید.

آپایش از این سابقه داشته که اسرائیلی‌ها، مشابه رفتاری که در مورد قطر داشتند، دست به عذرخواهی بزنند؟

دست‌کم دو مرتبه مرتکب تاریخ ایران چنین نمونه‌هایی داریم. یک‌مرتبه در سال ۱۹۹۷ بود که در اردن، اسرائیلی‌ها اقدام به ترور نافرجام خالد مشعل، از سران حماس کردند. آن زمان این ترور ناموفق بود. دو نفر از مأموران موساد برای اجرای عملیات رفته بودند و تلاش کردند مادهای سمی را به خالد مشعل تزریق کنند. این سم وارد کوش او شد و ظرف چند ساعت حال او بسیار وخیم شد و به کمافوت. اما چون آن دو مأمور دستگیر شدند و نتوانستند فرار کنند، یک رسوایی بزرگ برای اسرائیل به وجود آمد. در حقیقت، این ماجرا باعث شد که چون در سال ۱۹۹۴ اسرائیل و اردن در توافق «وادی عربه» روابط خود را عادی‌سازی کرده بودند، اردنی‌ها و به‌ویژه پادشاه وقت، ملک حسین، از این اقدام اسرائیل بسیار ناراحت شدند و برای جلوگیری از قطع روابط، اسرائیل عذرخواهی کرد و برای آزادشدن آن دو مأمور، اقدام به فرستادن بازدهم برای نجات جان خالد مشعل کرد. همان بازدهم باعث شد که خالد مشعل مجدداً بهبود یابد و باید این اولین موردی بود که اسرائیل بابت آن عذرخواهی کرد. مورد دوم در سال ۲۰۱۰ رخ داد، زمانی که کشتی «ماوی مرمره» از ترکیه به سمت نوار غزه در حرکت بود و قصد داشت محاصره غزه را بشکند. اسرائیلی‌ها به کشتی حمله کردند و چند نفر از خدمه کشتی را که همگی اهل ترکیه بودند کشتند. این اتفاق در نهایت به قطع

چه عواملی نتانیاهو و ترامپ را به مسیر یک اتفاق رأسا ضمنی سوق داد؟

اداره غزه قرار است به یک «کمیته تکنوکراتیک غیرسیاسی فلسطینی» تحت نظارت «شورای صلح» بین‌المللی به رهبری دونالد ترامپ و تونی بلر، نخست‌وزیر پیشین انگلیس، سپرده شود. شخصی که روابط نزدیکی با کابینه نتانیاهو و آمریکا دارد. این شورا، که قرار است چهارچوب بازسازی و حکمرانی غزه را تعیین کند، فاقد هرگونه شفافیت در دورنگریب، اختیارات و مدت‌فعالیتش است. حضور بلر، با سابقه خط‌ناک‌شر در جنگ عراق، تردیدهای جدی درباره نوبت واقعی این نهاد ایجاد می‌کند. آیا این شورا قرار است غزه را به یک مستعمره تحت نظارت غرب تبدیل کند؟ یا صرفاً پوششی برای تداوم کنترل غیرمستقیم اسرائیل است؟ بخش اقتصادی طرح نیز، با وعده‌های ایجاد «منطقه اقتصادی ویژه» و شهرهای مدرن، در نگاه اول جذاب به نظر می‌رسد، اما فاقد جزئیات عملیاتی است. منابع مالی، ناظران پروژه و جدول زمانی اجرا مشخص نشده‌اند. نقش جرد کوشنر (داماد ترامپ) و امریتوویتکاف که سابقه‌ای در تبدیل دیپلماسی به معاملات تجاری دارند، این نگرانی را تقویت می‌کند که غزه قرار است به یک پروژه سرمایه‌گذاری برای نخبگان اقتصادی تبدیل شود، نه یک مسیر از بین بردن بازسازی زندگی فلسطینی‌ها. این وعده‌ها، مشابه «معامله قرن»، غزه را به یک بازار تجاری تقلیل می‌دهند، بدون آنکه به نیازهای واقعی مانند رفع محاصره یا تضمین حقوق اولیه بپردازند.

بستهٔ پیشنهادی یا دستوری؟

نقش کشورهای عربی نیز در این طرح، به یک ابزار فشار تقلیل یافته است. ترامپ مدعی حمایت کشورهای عربی مانند عربستان، قطر و مصر است و طرح خود را تحویل مقامات قطری داده تا با همکاری مصر، به دست حماس برسانند.

مخالفت در اسرائیل

در اسرائیل، طرح با مقاومت شدید راست گرایان افراطی مانند بتزالل اسموتریچ و ایتامار بن‌گویر مواجه شده است. این گروه‌ها، که ائتلاف نتانیاهو را ترجیح می‌دهند، طرح را «خیانت به شهرک‌نشینان» می‌خوانند و نتانیاهو را تهدید به فروپاشی ائتلاف کرده‌اند. نتانیاهو، که تحت فشار داخلی و قضایی قرار دارد، طرح را به‌صورت مشروط پذیرفته، اما این پذیرش بیشتر برای خرید زمان و حفظ حمایت آمریکا است تا اعتقاد به صلح. این فلج سیاسی، شانس اجرای طرح را به حداقل می‌رساند و آن را به ابزاری برای مانورهای سیاسی نتانیاهو تبدیل کرده است.

نقض اصول حقوق بین‌الملل

نظام فعلی بین‌الملل در بالاترین سطح از بی‌توجهی به حقوق بین‌الملل قرار دارد و تلاش‌ترین مصداق آن نیز همین طرح است. بندهای مختلفی از این طرح با اصول بنیادین حقوق بین‌الملل، به ویژه حق تعیین سرنوشت، مغایرت دارد. بر اساس منشور سازمان ملل و قطعنامه‌های مربوطه، مردم فلسطین حق دارند سرنوشت سیاسی خود را تعیین کنند. این طرح، با تحمیل یک کمیته تکنوکراتیک و شورای بین‌المللی بدون مشارکت واقعی فلسطینی‌ها، این حق را سلب می‌کند. حذف نقش حماس که بخش قابل توجهی از مردم غزه از آن حمایت می‌کنند و عدم تضمین انتقال حاکمیت به یک نهاد فلسطینی، غزه را به یک منطقه تحت قیمومیت خارجی تبدیل می‌کند.

مقاومت فلسطینی، همان‌طور که اشاره شده، نتیجه مستقیم اشغالگری و محاصره است. طرح که مقاومت را به‌عنوان «تروریسم» تعریف می‌کند و ریشه‌های آن را نادیده می‌گیرد، نمی‌تواند به صلح پایدار منجر شود. همچنین پیشنهاد «گذرگاه امن» برای تبعید اعضای حماس، بدون تضمین حق بازگشت، نقض کنوانسیون‌های ژنو و سایر اسناد بین‌المللی است که اخراج اجباری را ممنوع می‌کنند.

بستهٔ پیشنهادی یا دستوری؟

روابط ترکیه و اسرائیل انجامید. اما نتانیاهو با یک عذرخواهی از اردوغان توانست موضوع را حل‌وفصل کند. در آن مورد نیز باید ذکر غرامت و عذرخواهی رسمی از سوی دولت اسرائیل، ماجرا به نوعی خاتمه یافت.

چه عواملی نتانیاهو و ترامپ را به مسیر یک اتفاق رأسا ضمنی سوق داد؟

این موضوع اظهار تأسف ضمنی قطر از پس آن‌همه ترامپ در نشست خبری رسماً از طرح پیشنهادی‌اش برای غزه رونمایی کرد. این تغییر رفتار چند معنای روشن دارد؛ از جمله آن‌که ترامپ برخلاف خواسته راست افراطی‌ها به دنبال تحقق طرح اسرائیل بزرگ نیست. به یک معنا او هم تلاش کرد تا جلوی شکست پیشنامه ابراهیم را بگیرد و هم نشان دهد که متحدان عربی‌اش را حمایت خواهد کرد. درگفت‌وگو با منصور براتی، به‌بررسی ابعاد طرح پیشنهادی ترامپ و عذرخواهی نتانیاهو از قطر پرداختیم که در ادامه می‌خوانید.

آپایش از این سابقه داشته که اسرائیلی‌ها، مشابه رفتاری که در مورد قطر داشتند، دست به عذرخواهی بزنند؟

دست‌کم دو مرتبه مرتکب تاریخ ایران چنین نمونه‌هایی داریم. یک‌مرتبه در سال ۱۹۹۷ بود که در اردن، اسرائیلی‌ها اقدام به ترور نافرجام خالد مشعل، از سران حماس کردند. آن زمان این ترور ناموفق بود. دو نفر از مأموران موساد برای اجرای عملیات رفته بودند و تلاش کردند مادهای سمی را به خالد مشعل تزریق کنند. این سم وارد کوش او شد و ظرف چند ساعت حال او بسیار وخیم شد و به کمافوت. اما چون آن دو مأمور دستگیر شدند و نتوانستند فرار کنند، یک رسوایی بزرگ برای اسرائیل به وجود آمد. در حقیقت، این ماجرا باعث شد که چون در سال ۱۹۹۴ اسرائیل و اردن در توافق «وادی عربه» روابط خود را عادی‌سازی کرده بودند، اردنی‌ها و به‌ویژه پادشاه وقت، ملک حسین، از این اقدام اسرائیل بسیار ناراحت شدند و برای جلوگیری از قطع روابط، اسرائیل عذرخواهی کرد و برای آزادشدن آن دو مأمور، اقدام به فرستادن بازدهم برای نجات جان خالد مشعل کرد. همان بازدهم باعث شد که خ